

اقتصادکشاورزی و توسعه، سال یازدهم، شماره ۴۳ و ۴۴، پاییز و زمستان ۱۳۸۲

بررسی امنیت غذایی و توسعه انسانی در کشورهای اسلامی

دکتر صادق بختیاری، زهرا حقی*

چکیده

این مقاله در پی بررسی مقایسه ای امنیت غذایی و توسعه انسانی در کشورهای اسلامی با استفاده از آمار و اطلاعات سال ۱۹۹۹ است. بدین منظور با استفاده از روش آنالیز تاکسونومی عددی، از شش شاخص امنیت غذایی ارائه شده از سوی سازمان ملل، یک شاخص ترکیبی محاسبه گردیده و بر اساس آن کشورهای اسلامی به لحاظ امنیت غذایی رتبه بندی شده اند. در ادامه، وضعیت هر کشور با توجه به شاخص امنیت غذایی ارائه شده و شاخص توسعه انسانی مورد بررسی قرار گرفته است. یافته های این مطالعه نشان می دهد که رابطه مثبت و معناداری بین توسعه انسانی و امنیت غذایی در کشورهای اسلامی وجود دارد و از آنجا که اغلب کشورهای اسلامی توسعه انسانی متوسط و پایین دارند، این رابطه در سطوح متوسط و پایین قویتر است. همچنین مشخص شد که تولید سرانه غذا و واردات مواد غذایی نسبت به سایر شاخصهای موجود تأثیر بیشتری بر امنیت غذایی دارد.

* به ترتیب: استادیار دانشکده اقتصاد دانشگاه اصفهان و کارشناس ارشد اقتصاد

E-mail: haghi@iran-bim.co.ir

E-mail: bakhtiari_sadegh@yahoo.com

کلید واژه‌ها:

امنیت غذایی، خودکفایی غذایی، شاخص توسعه انسانی، تولید سرانه غذا

مقدمه

در دهه اخیر با برجسته شدن مفهوم توسعه انسانی در سطح جهان، مسئله امنیت غذایی، که از دیر باز مطرح بوده، ابعاد تازه‌ای به خود گرفته و تحت تأثیر فعالیتهای سازمان ملل مورد توجه خاص قرار گرفته است. در همین راستا کشورهای اسلامی عضو کنفرانس اسلامی نیز که غالباً سطح توسعه انسانی پایین و متوسط دارند، با ارائه راهکارهای متعدد سعی در بالا بردن امنیت غذایی خود در بین کشورهای عضو کرده‌اند. به نظر می‌رسد که بررسی همزمان دو شاخص مذکور جهت تعیین نوع رابطه بین مفاهیم امنیت غذایی و توسعه انسانی، مبنای مناسبی برای بررسی این گونه راهکارها جهت ارتقای این شاخصها در کشورهای اسلامی باشد.

در همین راستا در پژوهش حاضر ابتدا مفهوم امنیت غذایی، شاخصهای سنجش و عوامل مؤثر بر آن بررسی شده است. با آنکه در برآورد شاخص توسعه انسانی، شاخص امنیت غذایی در نظر گرفته نشده است، ولی به نظر می‌رسد ارتباط نزدیکی بین این دو شاخص وجود داشته باشد. لذا هدف این مقاله مقایسه وضعیت امنیت غذایی با وضعیت توسعه انسانی است. به همین منظور ابتدا مفهوم توسعه انسانی و مؤلفه‌های مؤثر بر آن و سپس، ضمن نگاهی به وضعیت اقتصادی کشورهای اسلامی، سطح امنیت غذایی و توسعه انسانی بررسی شده است. در این راستا با استفاده از روش آنالیز تاکسونومی عددی، یک شاخص ترکیبی برای امنیت غذایی محاسبه و براساس آن، جایگاه امنیت غذایی هر کشور در بین دیگر کشورها مشخص شده است. در بخش پایانی مقاله حاضر نیز شاخص مذکور و شاخص توسعه انسانی در گروه کشورهای اسلامی مورد مقایسه قرار گرفته است.

سؤالات تحقیق

- آیا رابطه مثبت و معنیداری بین امنیت غذایی و شاخص توسعه انسانی برای کلیه سطوح در

کشورهای اسلامی وجود دارد؟

- آیا در گروه کشورهای اسلامی می توان بالا بودن امنیت غذایی را نتیجه بالا بودن شاخص توسعه انسانی دانست؟

- آیا شاخص توسعه انسانی به تنهایی نمی تواند تعیین کننده جایگاه امنیت غذایی باشد؟

۱- امنیت غذایی

در این زمینه سه موضوع اساسی یعنی مفهوم امنیت غذایی، عوامل مؤثر بر آن و شاخصهای سنجش امنیت غذایی درخور بررسی است.

۱-۱- تعریف امنیت غذایی

برای امنیت غذایی تعریفهای متعددی وجود دارد که بررسی تاریخی آنها نشاندهنده تکامل نگرش بین المللی نسبت به این موضوع است.

در سال ۱۹۷۵ سازمان ملل متحد امنیت غذایی را چنین تعریف کرد:

«امنیت غذایی عبارت است از عرضه مستمر کالاهای غذایی اصلی در سطح جهانی به منظور بهبود مداوم مصرف غذا و خنثی کردن اثرات نامطلوب نوسانات تولید قیمت غذا».

چندین سال بعد در سال ۱۹۸۴ سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد (FAO) تعریف زیر را پیشنهاد کرد: «امنیت غذایی یعنی اطمینان از اینکه همه مردم در همه اوقات به غذاهای اصلی مورد نیاز خویش دسترسی فیزیکی و اقتصادی دارند». همچنین بانک جهانی در سال ۱۹۸۶ نیز امنیت غذایی را به شرح زیر تعریف کرد:

«امنیت غذایی عبارت است از دسترسی همه مردم به غذای کافی در تمام اوقات به منظور یک زندگی سالم و فعال» (قاسمی، ۱۳۷۳). پس از آن کنفرانس بین المللی تغذیه در سال ۱۹۹۳ تعریف بانک جهانی را به عنوان یک تعریف کاربردی پذیرفت و سرانجام اجلاس جهانی غذا در سال ۱۹۹۶ تعریف کاملتری از امنیت غذایی را به این شرح اعلام کرد: «امنیت غذایی هنگامی وجود دارد که همه مردم در تمامی ایام به غذای کافی، سالم و مغذی دسترسی فیزیکی و اقتصادی داشته باشند و غذای در دسترس نیازهای یک رژیم تغذیه ای سازگار با ترجیحات آنان را برای یک زندگی فعال و سالم فراهم سازد» (FAO, FSISEWS, 2001).

بر اساس دو تعریف آخر مفاهیم اصلی امنیت غذایی عبارت است از:

۱- غذای کافی ۲- دسترسی ۳- امنیت ۴- زمان ۵- زندگی سالم و فعال

غذای کافی

هر چند تعریف غذای کافی به معنای علمی و در قالب تعریف دقیق این عبارت باید با ضوابط تغذیه‌ای انجام گیرد، ولی در ادبیات مربوط به امنیت غذایی تفسیرهای مختلفی از غذای کافی دیده می‌شود.

فانو غذای کافی را بر مبنای تأمین غذاهای اصلی مورد نیاز برای تمام مردم و بانک جهانی به معنای تأمین زندگی سالم و فعال برای عموم تعریف کرده‌اند. لازم به ذکر است که در این تعاریف از غذا صحبت می‌شود ولی به هنگام ارزیابی کفایت غذایی، واحد سنجش کالری است، هر چند مصرف کافی کالری به تنهایی گویای تأمین نیاز به ویتامینها و املاح نیست (بی‌نام، ۱۳۷۶).

دسترسی به غذا

همان گونه که در تعریف امنیت غذایی در سال ۱۹۹۶ نیز اشاره شد، دسترسی به غذا دو نوع است: «دسترسی فیزیکی، دسترسی اقتصادی»

مفهوم دسترسی مبتنی بر این فرض است که تا زمانی که خانواده‌ای غذای مورد نیاز و کافی در دسترس داشته باشد از امنیت غذایی برخوردار است. بدین منظور خانواده باید با شبکه توزیع غذا در محل زندگی ارتباط نزدیک و آسان داشته باشد (دسترسی فیزیکی) و درآمد یا هزینه خانوار به اندازه‌ای باشد که تهیه و خرید غذای لازم را بدون فشار زیاد میسر سازد (دسترسی اقتصادی). دسترسی به غذا در سطوح ملی، ناحیه‌ای و محلی حاصل عملکرد تجارت و تولید غذاست. در سطوح بین‌المللی این دسترسی به وسیله قیمت‌های جهانی و معاملات خارجی تعیین می‌شود. در این راستا می‌توان نبود امنیت غذایی را به دو نوع مزمن و گذرا تقسیم کرد.

نوع مزمن نبود امنیت یک جریان مستمر عدم تکافوی مواد غذایی است که به علت ناتوانی در دسترسی به غذا به وجود می‌آید. این جریان روی خانوارها به گونه‌ای اثر می‌گذارد که در

خرید مواد غذایی برای رفع نیازهای خویش عمیقاً در ناتوانی باقی می‌مانند. ریشه این مسئله همواره فقر است. نوع گذرای نبود امنیت، دستیابی موقت خانوارها به مواد غذایی است که نتیجه نوسانهای قیمتی، درآمدی یا تولیدات مواد غذایی است (نوری نائینی، ۱۳۷۸). بنابراین، هدف نهایی از امنیت غذایی در جهان دسترسی فیزیکی و اقتصادی به مواد غذایی اساسی است.

امنیت

در دهه ۱۹۵۰ عدم دسترسی کافی به غذا و به تعبیر دیگر ناامنی غذایی مورد توجه قرار گرفت. کمیته تغذیه سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۱ ناامنی غذایی را ریسک بیش از حد دستیابی به غذای لازم به منظور زندگی سالم و فعال عنوان کرد. در حقیقت ناامنی غذایی شناسایی خطر، عدم دسترسی یا دسترسی ناکافی به مواد غذایی است. ریسک نیز می‌تواند از عوامل متعددی از جمله نوسانهای تولیدی و افت محصول، محدودیتهای ظرفیت وارداتی و نوسانهای بازار و قیمتها سرچشمه گرفته باشد (عبادی، ۱۳۷۸).

۱-۲- عوامل مؤثر بر امنیت غذایی

عوامل مؤثر بر امنیت غذایی را می‌توان در یک طبقه بندی کلی به دو بخش تقسیم کرد:

الف) عوامل مرتبط با تولید (عرضه)، مصرف (تقاضا) و تجارت غذا
 ب) عواملی که به صورت غیرمستقیم و از طریق تأثیرگذاری بر عوامل اصلی، امنیت غذایی را تحت تأثیر قرار می‌دهد مانند جنگ، انقلاب، خشکسالی، توفان و سیل و یا عوامل فرهنگی ای همچون الگوی مصرفی جامعه.

به طور کلی گروه دوم تابع شرایط سیاسی - اجتماعی و آب و هوایی است. در اینجا فقط

به بررسی عوامل گروه نخست به شرح زیر بسنده می‌شود:

۱- خود کفایی غذایی

۲- واردات مواد غذایی

۳- کمکهای غذایی

خود کفایی غذایی

منظور از خود کفایی تأمین نیازهای غذایی توسط عرضه داخلی یا حداقل وابستگی به تجارت خارجی است. در برخی کشورها این امر به عنوان یک هدف سیاسی دنبال می شود زیرا ممکن است به دلیل حوادثی مثل جنگ یا تحریم اقتصادی، شرایط واردات مواد غذایی وجود نداشته باشد.

لازمه حصول به خود کفایی استفاده بهینه از ذخایر و منابع موجود در کشور است که برای این امر برخورداری از منابع طبیعی کافی و فناوری مناسب در تولید ضروری است. در خصوص کشورهای اسلامی، که عموماً منابع طبیعی کمی دارند، نیاز به بهره‌وری بالا و تکنیکهای پیشرفته بیشتر احساس می شود.

واردات مواد غذایی

اگر تولیدات مواد غذایی پایه‌ای افزایش جمعیت رشد نکند در نتیجه تولید سرانه مواد غذایی کاهش خواهد یافت. تقاضای فزاینده را باید از طریق افزایش واردات مواد غذایی یا کاهش صادرات آن یا توسل به هر دو سیاست تأمین کرد.

افزایش واردات مواد غذایی به طور قطع به وابستگی بیشتر به منابع خارجی می‌انجامد. این امر علاوه بر داشتن بار مالی به ایجاد یک سلسله مشکلات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی منتهی می‌شود که از آن جمله می‌توان به تأثیر نوسانهای قیمتهای جهانی بر بازار داخلی، که بعضاً منجر به کاهش تولید در کشور واردکننده و یا کاهش درآمد کشور صادرکننده می‌گردد، اشاره کرد.

در خصوص واردات ذکر این مطلب ضروری است که تولید داخلی تعیین کننده نیازهای وارداتی است و حجم واقعی واردات به میزان ارز موجود و قیمتهای جهانی وابسته است. لذا با در نظر گرفتن موارد فوق نمی‌توان به واردات به عنوان راه‌حلی مناسب در امنیت غذایی نگاه کرد. در این

باره درجه خود کفایی بالا و وابستگی کمتر به منابع خارجی از درجه اطمینان بالاتری برخوردار خواهد بود.

کمکهای غذایی

کمکهای غذایی به عنوان آخرین راه حل جهت تأمین امنیت غذایی به کار می‌رود. کمکهای غذایی به شرح زیر تعریف شده است (UNDP, 1999):

«کمک غذایی شامل تمام اقداماتی است که دولتها اغلب با همکاری سازمانهای غیر دولتی (NGO)^۱ بعضاً با استفاده از کمکهای خارجی برای بهبود تغذیه شهروندان خود انجام می‌دهند و بدون انجام چنین اقداماتی، یک زندگی سالم و فعال توأم با دسترسی کافی به غذا نخواهند داشت.» کمکهای غذایی به دو صورت مستقیم و غیر مستقیم صورت می‌گیرد:

- کمکهای غذایی مستقیم شامل توزیع مواد غذایی، ارسال بسته‌های غذایی، توزیع کالا برگ‌های کالاهای اساسی، تغذیه رایگان در مدارس و برنامه‌های غذا در برابر کار است. این موارد با حمایت‌های غذایی و پولی منابع بین المللی، کمکهای دولتی، سازمانهای غیردولتی یا بنگاههای خیریه خصوصی انجام می‌گیرد.

- کمک غذایی غیر مستقیم عبارت است از آموزش تغذیه، سیاستهای مربوط به ذخیره مواد غذایی و سیاستهای حمایتی (قیمتگذاری، بازاریابی و سیاستهای ارزی و تجاری).

با اینکه در دهه ۱۹۹۰ تولید غلات در کشورهای اسلامی نسبت به دهه قبل افزایش یافت ولی میانگین کمکهای غذایی به این کشورها نیز درخور توجه بود. به طور مثال در سال ۱۹۹۷ عموم کشورهای اسلامی، به استثنای مالزی، به میزان کم یا زیاد از کمکهای غذایی بهره جستند. در این میان ایران از جمله کشورهایی بوده که کمترین کمک را دریافت کرده و بیشترین کمک دریافتی نیز به میزان ۱۵۵۷ هزار تن مربوط به کشور بنگلادش بوده است (جدول ۱).

1. non governmental organization

جدول ۱. کمکهای غذایی دریافتی کشورهای اسلامی (۱۹۹۷)

«واحد: هزار تن»

کشور	کمکهای غذایی	کشور	کمکهای غذایی
مالدیو	۳	بورکینافاسو	۵۷
مالی	۱۲	کامرون	۱۰
موزامبیک	۱۱۲	چاد	۷
نیجریه	۵۵	کومور	۴
پاکستان	۱۰۳	جیبوتی	۲۳
سنگال	۱۲	مصر	۱۳
سیرالئون	۷۲	گامبیا	۶
سودان	۲۳۳	گینه	۲۲
سوریه	۱۶	گینه بیسائو	۲۱
تاجیکستان	۳۸	گیانا	۲۲
توگو	۳	اندونزی	۱۵
تونس	۲۲	عراق	۱۷
ترکمنستان	۵۰	ایران	۱
اوگاندا	۵۷	اردن	۱۰۰
آلبانی	۲۶	قرقیزستان	۱
الجزایر	۲۰	مالزی	-۰-
آذربایجان	۱۲	اندونزی	۷۷۷
بنگلادش	۱۵۵۷	موریتانی	۱۱
بنین	۱۱	مراکش	۴
برونئی	۱	یمن	۱۵۸

Source: UNDP, 2001, 211-214

۳-۱- شاخصهای سنجش امنیت غذایی

امنیت غذایی در سه سطح خانوار، ملی و بین المللی مطرح می شود که برای اندازه گیری آن در هر سطح، از شاخصهای ویژه ای استفاده می شود. در سطح خانوار می توان آن را با بررسیهای مستقیم

مصرف تحت شرایط اقتصادی بخصوص دستمزد، اشتغال و قیمتها و در سطح ملی با شاخصهای زیر اندازه گیری کرد:

- کمیت تولید مواد غذایی در مقایسه با نیاز در طول زمان
- واردات مواد غذایی مورد نیاز با توجه به ظرفیت وارداتی
- ترازنامه غذایی و ارزیابی مواد مغذی موجود در سطح کلان
- ترکیب غذای کشور در سطح کلان و روند تغییرات آن در طول زمان
- قیمتها و روند آن

در خصوص اندازه گیری امنیت غذایی در سطح بین المللی نیز فائو شاخصهایی آسان معرفی کرده است که برای سنجش پیشرفت در امر کاهش موارد سوء تغذیه و دستیابی به امنیت غذایی برای همه مناسب است.

براساس سند منتشر شده فائو در سال ۱۹۹۸ (عبادی، ۱۳۷۸)، شاخصهای اندازه گیری امنیت

غذایی عبارت است از:

۱- GNP سرانه

۲- رشد GNP سرانه

۳- مازاد خالص تجارت کشاورزی

آنچه در این تحقیق مورد استفاده قرار می گیرد شاخصهای ارائه شده در گزارشهای توسعه

انسانی به شرح زیر است:

۱. سرانه عرضه روزانه کالری: عرضه خالص غذا بر حسب میزان کالری در هر روز تقسیم بر تعداد

جمعیت

۲. سرانه عرضه روزانه پروتئین: عرضه خالص غذا بر حسب میزان پروتئین در هر روز تقسیم بر تعداد

جمعیت

۳. سرانه عرضه روزانه چربی: عرضه خالص غذا بر حسب میزان چربی در هر روز تقسیم بر تعداد

جمعیت

۴. سرانه تولید غذا

۵. واردات مواد غذایی

۶. کمکهای غذایی

۲- توسعه انسانی

توسعه اقتصادی در بهبود کیفیت زندگی انسانها و به عبارتی توسعه انسانی تجلی می‌یابد. توسعه انسانی مفهوم تازه‌ای نیست. ریشه‌های مفهوم توسعه انسانی، که در فرهنگها و ادیان مختلف مشاهده می‌شود، غالباً در ادوار نخستین تاریخ بشر موجود بوده است.

۲-۱- تعریف توسعه انسانی

در مفاهیم اولیه توسعه انسانی درآمد و رشد آن به عنوان شاخصهای اصلی مورد نظر بود، ولی بتدریج موضوعات زیر دلمشغولی محور توسعه را تشکیل داد: کیفیت زندگی مردم مبنی بر اینکه توان انجام چه کاری را دارند و در عمل چه انجام می‌دهند، تبعیضهایی که با آن مواجه‌اند و تلاشهایی که جهت برخورداری از انتخابهای بیشتر انجام می‌دهند (تیروال، ۱۳۷۸).

تنها در سده بیستم برای رفع محدودیتهای استفاده از معیار درآمد و رشد آن به عنوان شاخص توسعه و مشکل آن به عنوان معیار استاندارد زندگی، دو شاخص فقر انسانی^۱ (HPI) و توسعه انسانی^۲ (HDI) توسط برنامه توسعه سازمان ملل متحد (UNDP) ارائه شد که لزوماً با معیارهای معمول همخوانی ندارند و برای سنجش سطح توسعه و پیشرفت کشورها به کار گرفته می‌شوند. بر اساس برنامه توسعه سازمان ملل متحد، توسعه انسانی به عنوان "فراگرد گسترش گزینههای مردم" تعریف گردیده است که این نه تنها به درآمد بلکه به عوامل دیگری مانند امید به زندگی، آموزش، سواد و بهداشت نیز بستگی دارد.

1. human poverty index

2. human development index

۲-۲- نحوه محاسبه شاخص توسعه انسانی

شاخص توسعه انسانی مرکب از سه جزء اساسی یعنی طول عمر، دانش و سطح زندگی است. طول عمر با شاخص امید به زندگی اندازه گیری می شود که یکی از عوامل مهم تأثیرگذار بر این شاخص، امنیت غذایی در جامعه است. دانش از طریق ترکیبی از باسوادی بزرگسالان و سطح زندگی به وسیله قدرت خرید^۱ (p.p.p) مبتنی بر محصول ناخالص داخلی سرانه تعدیل شده بر حسب هزینه محل زندگی اندازه گیری می شود.

محاسبه شاخص توسعه انسانی شامل دو مرحله است؛^۲ مرحله اول، محاسبه شاخصهای جزئی است که برای این منظور مقدار کمینه و بیشینه به ازای هر مؤلفه تعیین و شاخص مربوط بر اساس فرمول کلی زیر برآورد می شود:

$$(1) \quad \text{مقدار کمینه } X_i - \text{مقدار بیشینه } X_i / (\text{مقدار کمینه } X_i - \text{مقدار واقعی } X_i) = \text{شاخص } (I_{xi})$$

حدود شاخص پیشگفته از صفر تا یک است. اگر مقدار واقعی متغیر برابر مقدار کمینه باشد شاخص صفر و اگر مساوی مقدار بیشینه باشد، شاخص برابر یک خواهد شد.

سپس شاخص دانش از ترکیب وزنی دو شاخص محاسبه شده برای نرخ باسوادی بزرگسالان (I_e) و متوسط سالهای تحقیق (I_{cg}) محاسبه می شود:

$$(2) \quad I_s = (2I_e + I_{cg}) / 3$$

از سوی دیگر شاخص سطح زندگی با به کار گیری قدرت خرید (y_i) در قالب رابطه زیر محاسبه می شود:

$$(3) \quad W_{(y)} = (\text{Log} Y - \text{Log} Y_{\min}) / (\text{Log} Y_{\max} - \text{Log} Y_{\min})$$

روش بالا قابل اطمینان و برای هر سطح درآمدی قابل استفاده است.

در مرحله دوم جهت محاسبه HDI میانگین شاخصهای محاسبه شده را به دست می آوریم:

$$(4) \quad \text{HDI} = (I_e + I_s + W_{(y)}) / 3$$

1. purchasing power parity

۲. شاخص توسعه انسانی و روابط مذکور در این قسمت از یادداشتهای فنی گزارش توسعه انسانی ۱۹۹۹ اقتباس شده است.

که در آن، شاخص طول عمر است. با این حال توسعه انسانی به همین جا ختم نمی شود و گزینه های دیگری نیز وجود دارد که برای بسیاری مردم ارزشمند است.

شاخص توسعه انسانی تمام مسائل موجود در جامعه مانند رشد اقتصادی، تجارت و بازرگانی، اشتغال و استخدام، آزادی سیاسی و ارزشهای فرهنگی را از دیدگاه خود مردم مورد بررسی و تحلیل قرار نمی دهد و به همین اعتبار ضمن تأکید بر گسترش دامنه گزینه های انسان، کشورهای در حال توسعه و صنعتی را به یک چشم نگاه می کند.

HDI نشان می دهد هر کشور تا رسیدن به مرحله تأمین گزینه های ضروری برای کلیه آحاد ملت چه مسافتی را باید طی کند و از این رو نمی توان آن را شاخصی برای سنجش رفاه یا سعادت مندی جامعه قلمداد کرد. این شاخص در واقع میزان توانمندسازی را اندازه گیری می کند و نشان می دهد که اگر مردم سه گزینه اساسی مذکور را در اختیار داشته باشند خواهند توانست سایر فرصتها را نیز به دست آورند (حسینی، ۱۳۷۵).

شاخص توسعه انسانی از هر شاخص مرکب و یا حتی از هر مجموعه شاخص آماری تفصیلی، مفهومی عمیقتر و غنیتر ارائه می کند. از این رو می توان آن را برای ساده کردن یک واقعیت پیچیده به کار برد و این همان هدف اصلی از تنظیم و تدوین شاخص توسعه انسانی است.

۳- امنیت غذایی و شاخص توسعه انسانی در کشورهای اسلامی

۳-۱- گروه بندی کشورهای اسلامی^۱

کشورهای اسلامی و عضو سازمان کنفرانس اسلامی در سال ۱۹۹۹ جمعاً شامل ۵۸ کشور و حدود ۱۱۶۰ میلیون نفر جمعیت بوده است. به عبارتی این سازمان ۲۱٪ از جمعیت جهان و ۲۳٪ از وسعت کره زمین را در بر دارد. از نظر توزیع جغرافیایی حدود ۷۵٪ جمعیت این کشورها در قاره آسیا، ۲۳/۵٪ در آفریقا و بقیه در قاره اروپا و آمریکا سکونت دارند. در بین آنها اندونزی با وسعت

۱. مطالب این بخش برگرفته از منبع زیر است:

Annual Economic Report on the OIC countries (1999), *Journal of Economic Cooperation*, Vol. 21, No. 1, January 2000.

۵/۱ میلیون کیلومتر مربع و ۱۹۶/۹ میلیون نفر جمعیت بزرگترین وسعت و جمعیت و کشور مالدیو با وسعت ۲۹۸ کیلومتر مربع و ۲۵۰ هزار نفر جمعیت کمترین وسعت و جمعیت را دارا است.

کشورهای اسلامی بر اساس میزان و درجه توسعه یافتگی خود در چهار دسته زیر قرار می گیرند:

گروه اول کشورهای با توسعه یافتگی پایین تحت عنوان LDC^۱ شامل افغانستان، بنگلادش، بنین، بورکینو فاسو، چاد، کومور، گامبیا، گینه، گینه بیسائو، مالی، موریتانی، موزامبیک، نیجریه، سیرالئون، سومالی، سودان، توگو، اوگاندا و یمن.

گروه دوم کشورهای با درآمد متوسط با عنوان MIC^۲ شامل بحرین، کامرون، مصر، گویانا، اردن، لبنان، مالزی، مراکش، پاکستان، سنگال، سورینام، سوریه، تونس، مالدیو و ترکیه.

گروه سوم کشورهای صادرکننده نفت تحت عنوان OEC^۳ شامل الجزایر، برونی، گابن، اندونزی، ایران، عراق، کویت، لیبی، نیجریه، عمان، قطر، عربستان و امارات متحده عربی.

گروه چهارم کشورهای در حال گذار (انتقال) با عنوان TC^۴ شامل آلبانی، آذربایجان، قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ترکمنستان و ازبکستان.

۳-۲- وضعیت اقتصادی کشورهای اسلامی

وضعیت اقتصادی این کشورها را می توان از دو جهت زیر بررسی کرد:

- ترکیب تولید بخشی

با وجود اهمیتی که کشورهای اسلامی از نظر وسعت و جمعیت در جهان دارند با تولید ناخالص سالانه بیش از هزار میلیارد دلار تنها ۴٪ از تولید ناخالص جهانی را به خود اختصاص داده اند. به طور کلی ساختار اقتصادی این کشورها با ساختار کل اقتصادی جهان تفاوتی دارد و این تفاوت به گرایش ساختار تولیدی آنها به طرف گروه اول فعالیت های تولیدی یعنی کشاورزی و

1. low development countries

2. medum income countries

3. oil exporting countries

4 . transfer countries

مواد خام مربوط می‌شود به طوری که ۱۸/۳ درصد از فعالان اقتصادی این کشورها در این بخش فعالیت دارند در حالی که این نسبت در جهان فقط ۶٪ است.

سهم کشاورزی در کشورهای اسلامی بین ۵٪ (کویت) و ۶۵٪ (سومالی) متفاوت است. این نسبت برای ۱۸ کشور از ۵۳ کشور، که اغلب کشورهای LDC را در برمی‌گیرد، مساوی یا بزرگتر از ۲۳٪ و در کشورهای صادرکننده نفت مانند کویت، عمان، قطر، عربستان سعودی، امارات متحده عربی، بحرین و جیبوتی کمتر از ۵٪ است.

مقایسه متوسط سهم بخشهای مختلف اقتصادی در هر یک از گروهها نیز نشان می‌دهد که بیشترین سهم کشاورزی از GDP معادل ۳۲/۸٪ مربوط به کشورهای گروه LDC و کمترین آن با ۱۶/۵٪ مربوط به کشورهای گروه OEC است (جدول ۲).

جدول ۲. توزیع بخشی ستانده در گروههای کشورهای اسلامی (درصد)

خدمات	مصنوعات کارخانه‌ها	صنعت	کشاورزی	بخش اقتصادی
				متوسط گروه
۴۷/۵	۸/۹	۱۹/۳	۳۲/۸	متوسط گروه LDC
۵۱/۳	۱۵/۶	۲۳/۷	۱۸/۲	متوسط گروه MIC
۴۰/۲	۱۲/۹	۴۳/۱	۱۶/۵	متوسط گروه OEC
۴۳/۴	۸/۷	۲۸/۳	۲۵/۳	متوسط گروه TC
۴۴/۸	۱۵/۱	۳۴/۲	۱۸/۳	کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی (OIC)

Source: SESRTCIC, 2000

با توجه به موارد پیشگفته کشورهای اسلامی را می‌توان جوامع کشاورزی نام نهاد، زیرا کشاورزی در اغلب آنها تنها منبع تحصیل ارز خارجی است، اگر چه این موضوع در مورد گروه کشورهای اسلامی صادرکننده نفت OEC صدق نمی‌کند.

این در حالی است که بررسی کل شاخصهای توسعه کشاورزی در کشورهای اسلامی نشان می‌دهد در ۵۸٪ از این کشورها کمتر از ۲۰٪ زمینهای موجود قابل کشت است (جدول ۳).

به عبارتی، محدودیتهای آب و زمین نیز از جمله محدودیتهایی است که کشورهای اسلامی در زمینه کشاورزی و تولید مواد غذایی با آن روبه‌رو هستند.

جدول ۳. وضعیت اراضی کشورهای عضو OIC (۱۹۹۷)

(واحد: هزار هکتار)

کشور	کل اراضی	زمینهای قابل کشت	کشور	کل اراضی	زمینهای قابل کشت
الجزایر	۲۳۸۱۷۴	۷۵۲۵	مالدیو	۳۰	۱
آذربایجان	۸۶۶۰	۱۶۷۲	مالی	۱۲۲۰۱۹	۴۶۰۶
بحرین	۶۹	۲	موریتانی	۱۰۲۵۲۲	۴۸۹
بنگلادش	۱۳۰۱۷	۷۹۱۶	مراکش	۴۴۶۳۰	۸۷۴۹
بنین	۱۱۰۶۲	۱۴۴۵	موزامبیک	۷۸۴۰۹	۲۹۵۰
بورکینافاسو	۲۷۳۶۰	۳۳۹۰	نیجریه	۱۲۶۶۷۰	۴۹۹۴
کامرون	۴۶۵۴۰	۵۹۶۰	عمان	۲۱۲۴	۱۶
چاد	۱۲۵۹۲۰	۳۲۲۶	پاکستان	۷۷۰۸۸	۲۱۰۳۴
کومور	۲۲۳	۷۸	قطر	۱۱۰۰	۱۴
جیبوتی	۲۳۱۸	--	عربستان	۲۱۴۹۶۹	۳۷۰۰
مصر	۹۹۵۴۵	۲۸۳۴	سنگال	۱۹۲۵۳	۲۲۳۰
گابن	۲۵۷۶۷	۳۲۵	سیرالئون	۷۱۶۲	۴۸۶
گامبیا	۱۰۰۰	۱۹۵	سومالی	۶۲۷۳۴	۱۰۳۹
گینه	۲۴۵۷۲	۸۸۵	ازبکستان	۴۱۴۲۴	۴۴۷۵
اندونزی	۱۸۱۱۵۷	۱۷۹۴۱	سودان	۲۳۷۶۰۰	۱۶۷۰۰
ایران	۱۶۲۲۰۰	۱۷۷۵۰	سوریه	۱۸۳۷۸	۴۷۷۱
عراق	۴۳۷۳۷	۵۲۰۰	تاجیکستان	۱۴۰۶۰	۷۶۰
اردن	۸۸۹۳	۲۵۵	ترکیه	۷۶۹۶۳	۲۶۵۷۹
قزاقستان	۲۶۷۰۷۳	۳۰۰۰۰	ترکمنستان	۴۶۹۹۳	۱۶۳۰
کویت	۱۷۸۲	۶	امارات متحده عربی	۸۳۶	۸۰
قرقیزستان	۱۹۱۸۰	۱۳۵۰	اوگاندا	۱۹۹۶۵	۵۰۶۰
لیبی	۱۷۵۹۵	۱۸۱	یمن	۵۲۷۹۷	۱۴۴۲
لبنان	۱۰۲۳	۱۸۰	افغانستان	۵۲۰۹	۷۹۱۰
مالزی	۳۲۸۵۵	۱۸۲۰			

Source: FAO, 1998

- تجارت خارجی

از ویژگیهای دیگر ساختار اقتصادی کشورهای OIC وابسته بودن آنها از نظر تجارت خارجی به بازارهای جهانی است. در همین راستا آمار موجود نشان می‌دهد که کل صادرات کشورهای اسلامی در سال ۱۹۹۰ رقمی معادل ۲۵۶/۹ میلیارد دلار بوده که تقریباً ۷/۶ درصد از کل صادرات دنیا را تشکیل داده است. این مبلغ در سال ۱۹۹۳ به ۲۷۹/۹ میلیارد دلار و در سال ۱۹۹۷ به ۴۲۰ میلیارد دلار افزایش یافته است.

بر اساس همین آمار، متوسط سهم صادرات این کشورها از کل صادرات جهانی در دهه ۱۹۹۰ تقریباً معادل ۷/۵ درصد بوده که نسبت به کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه رقم درخور توجهی نبوده و روند رشد مستمری نیز نداشته است (جدول ۴).

جدول ۴. متوسط سهم صادرات کشورها از کل صادرات جهانی

واحد: درصد

شرح	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸
کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی	۷	۶/۹	۷/۵	۷/۶	۶/۹
کشورهای در حال توسعه	۳۲	۳۲/۱	۳۳/۶	۳۴/۵	۳۴
کشورهای توسعه یافته	۶۸	۶۷/۵	۶۶/۴	۶۵/۴	۶۷

Source: SESRTCIC, 2000

از سوی دیگر واردات کشورهای OIC از ۲۸۲/۸ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۴ به ۴۱۶/۱ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۸ افزایش یافته و سهم آنها در واردات جهانی به ترتیب از ۶/۶٪ به ۷/۲٪ افزایش پیدا کرده است (جدول ۵).

جدول ۵. متوسط سهم واردات کشورها از کل صادرات جهانی

واحد: درصد

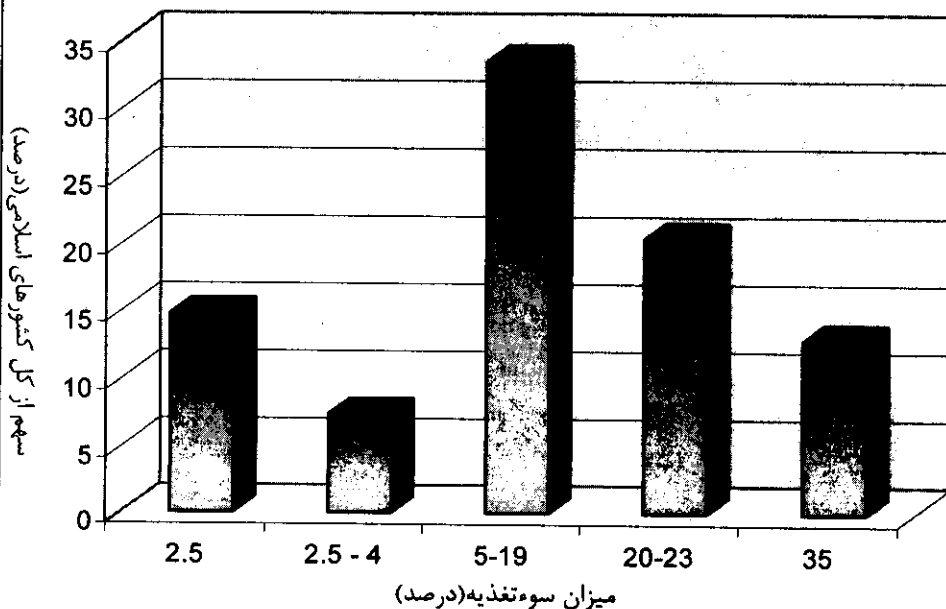
شرح	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸
کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی	۶/۶	۶/۷	۷	۷/۱	۷/۲
کشورهای در حال توسعه	۳۲/۲	۳۴/۱	۳۴/۹	۳۵/۶	۳۴/۱
کشورهای توسعه یافته	۶۶/۸	۶۵/۹	۶۵	۶۴/۴	۶۵/۸

مأخذ: همان منبع

همان طور که مشاهده می‌شود، سهم واردات این کشورها روندی افزایشی و مستمر داشته که متفاوت با روند تغییرات نرخ رشد سهم صادرات بوده، در حالی که چندین کشور عمده صادرکننده نفت نیز در این گروه قرار دارند و نفت سهم درخور توجهی از صادرات را به خود اختصاص داده و در نتیجه سهم صادرات غیر نفتی به مراتب کمتر از واردات غیر نفتی بوده است. لذا می‌توان استنباط کرد که کشورهای اسلامی در دهه اخیر سود کافی از تجارت جهانی به دست نیاورده‌اند.

۳-۳- امنیت غذایی در کشورهای اسلامی

چنانکه پیشتر اشاره شد، کشورهای اسلامی عمدتاً شامل کشورهای درحال توسعه و کشورهای در حال گذار است (۸۹٪) و بخش کشاورزی در این کشورها نقش بسزایی ایفا می‌کند. بدین ترتیب و به لحاظ ماهیت اقتصادی این کشورها انتظار می‌رود که آنها دارای امنیت غذایی متوسط رو به پایینی باشند، به طوری که طی سالهای ۱۹۹۶-۱۹۹۸ نیز چهارده درصد این کشورها دارای ۲/۵ درصد سوء تغذیه، ۷/۴ درصد ۲/۵ تا ۴ درصد، حدود ۳۳/۵ درصد ۵ تا ۱۹ درصد و تقریباً ۱۳ درصد بیش از ۳۵ درصد سوء تغذیه در کل جمعیت خود داشتند (نمودار ۱). گفتنی است این آمار تنها برای کشورهای در حال توسعه و در حال گذار ارائه شده است (FAO, SFI, 2001).



نمودار ۱. وضعیت سوء تغذیه در کشورهای اسلامی طی سالهای ۱۹۹۶-۹۸

با این حال طی سالهای مذکور وضعیت امنیت غذایی در این کشورها نسبت به سالهای ۱۹۹۰ - ۱۹۹۱ بهبود یافته و تنها در تعداد معدودی از آنها از جمله ایران، عراق، اردن، الجزایر و سومالی سوء تغذیه بیشتر شده است (جدول ۶) که این امر را می توان زنگ خطر برای این کشورها تلقی کرد. لازم است جهت بررسی ریشه ای این مسئله و پیدا کردن نگرشی اصولی، مروری کلی بر امکانات غذایی کشورهای اسلامی در دهه ۱۹۹۰ صورت گیرد.

جدول ۶. جمعیت کل و وضعیت سوء تغذیه در برخی کشورهای اسلامی

نام کشور	کل جمعیت دارای سوء تغذیه (میلیون)		جمعیت دارای سوء تغذیه به کل جمعیت (درصد)	
	۱۹۹۰-۹۲	۱۹۹۷-۹۹	۱۹۹۰-۹۲	۱۹۹۷-۹۹
اندونزی	۱۶/۷	۱۲	۹	۶
مالزی	۰/۶	۰/۴	۳	*
بنگلادش	۳۹/۲	۴۴/۱	۳۵	۳۳
پاکستان	۲۶/۵	۲۴/۴	۲۴	۱۸
گویان	۰/۱	۰/۱	۱۹	۱۴
سورینام	--	--	۱۲	۱۱
افغانستان	۹/۳	۱۲/۱	۶۴	۵۸
ایران	۲/۷	۳/۵	۴	۵
عراق	۱/۲	۳	۷	۱۴
اردن	۰/۱	۰/۲	۳	۵
کویت	۰/۵	۰/۱	۲۳	۴
لبنان	۰/۱	۰/۱	*	+
عمان	۰/۳	۰/۴	*	*
سوریه	۰/۲	۰/۲	*	*
ترکیه	۰/۹	۱/۲	*	*
امارات	۰/۱	۰/۱	۳	*
یمن	۴/۴	۵/۴	۳۶	۳۴
الجزایر	۱/۳	۱/۷	۵	۶
مصر	۲/۶	۲/۴	۵	۴
موروکو	۱/۴	۱/۸	۵	۶
تونس	۰/۱	--	*	*
کامرون	۳/۴	۳/۶	۲۹	۲۵
چاد	۳/۵	۲/۵	۵۸	۳۴
گابن	۰/۱	۰/۱	۱۱	۹
سومالی	۴/۸	۶	۶۷	۷۵
نپال	۰/۹	۰/۹	۱۹	۱۵

نام کشور	کل جمعیت دارای سوء تغذیه (میلیون)		جمعیت دارای سوء تغذیه به کل جمعیت (درصد)	
	۹۲-۱۹۹۰	۹۹-۱۹۹۷	۹۲-۱۹۹۰	۹۹-۱۹۹۷
بورکینافاسو	۲/۸	۲/۶	۳۱	۲۴
گامبیا	۰/۲	۰/۲	۱۹	۱۵
موریتانی	۰/۳	۰/۳	۱۴	۱۱
نیجر	۳/۳	۴/۲	۴۲	۴۱
نیجریه	۱۲/-	۷/۶	۱۴	۷
سنگال	۱/۷	۲/۱	۲۳	۲۴
سیرالئون	۱/۹	۱/۷	۴۶	۴۱
توگو	۰/۹	۰/۷	۲۷	۱۷

Source: FAO, SFI

*: رقم بسیار ناچیز است

امکانات غذایی کشورهای اسلامی

امکانات غذایی هر کشوری از دو مؤلفه تولید محصولات غذایی منهای صادرات و نیز واردات مواد غذایی تشکیل شده است.

الف) تولید محصولات غذایی منهای صادرات

در اغلب کشورهای اسلامی رشد تولید کشاورزی و مواد غذایی منظم و پیوسته نیست، زیرا این کشورها از یک سو با محدودیت آب و زمین مواجه‌اند و بعضاً فناوری پایینی در این زمینه دارند و از سوی دیگر فرایند تولید در این کشورها از سالی به سال دیگر دستخوش نوسانهای درخور توجهی است به طوری که در برخی سالها به کمبود شدید مواد غذایی و سوء تغذیه نیز انجامیده است (بختیاری، ۱۳۷۸).

لذا اکثر کشورهای اسلامی در زمینه تولیدات غذایی و کشاورزی ضعیف عمل کرده‌اند به گونه‌ای که نرخ رشد پایین تولید این محصولات در مقایسه با نرخ رشد نسبتاً بالای جمعیت آنها نشان‌دهنده تولید سرانه پایین مواد غذایی است.

نرخ رشد تولید سالانه مواد غذایی و محصولات کشاورزی کشورهای اسلامی طی دوره ۱۹۹۱-۹۶ در جدول ۷ ارائه شده است.

جدول ۷. امکانات غذایی کشورهای عضو OIC

واحد: درصد، میلیون دلار (نرخ رشد در دوره ۹۱-۹۶)

کشور	نرخ رشد	نرخ رشد تولید محصولات کشاورزی	نرخ رشد تولید محصولات غذایی	صادرات کشاورزی	واردات کشاورزی	نرخ رشد صادرات کشاورزی	نرخ رشد واردات کشاورزی
آلبانی	۰/۴	۱۳	۱۳/۷	۲۰/۷	۲۲۱	۰/۳	۵/۷
الجزایر	۲/۴	۱/۴	۱/۵	۱۰۷/۸	۳۲۱۵	۵/۹	۱۱/۷
آذربایجان	۰/۹	-۶/۷	-۵/۸	-	-	-	-
بحرین	۲/۵	۱/۲	۲	۱۷/۲	۳۲۹/۴	۱۲/۹	۲/۶
بنگلادش	۱/۵	۰/۵	۰/۵	۱۳۱	۱۷۹/۶	-۴/۶	۱۳/۴
بنین	۲/۹	۷/۵	۴/۸	۲۰۱/۱	۱۱/۶	۲۱/۳	۳/۷
بورکینافاسو	۲/۹	۲/۳	۲/۲	۱۴۱/۱	۹۱/۷	۷/۸	-۸/۱
کامرون	۲/۸	۲/۷	۳	۵۶۴/۵	۱۶۵۸	۱۱/۵	۱/۵
چاد	۲/۸	۱/۸	۱/۲	۱۴۵/۱	۲۵	۰/۶	۳/۶
کومور	۳/۲	۲/۲	۲/۲	۹/۶	۲۸/۶	-۲۳/۸	۶/۲
جیبوتی	۲/۸	۱/۱	۱/۱	۴/۸	۸۶/۵	۲/۹	۳/۸
مصر	۱/۹	۲/۴	۲/۷	۵۳۶/۱	۲۳۶۴/۱	۱۱/۵	۷/۱
گابن	۲/۸	۲	۱/۸	۹/۵	۱۲۵/۲	۵/۸	-۳/۵
گامبیا	۳/۵	-۱/۷	-۲/۲	۱۵/۷	۸۲/۸	۹/۱	-۲/۹
گینه	۴/۵	۳/۲	۳/۶	۶۱/۱	۲۱۴/۸	۲۵/۴	۹/۳
اندونزی	۱	۳/۵	۲/۵	۵۴۲/۷	۴۸۸۳/۹	۱۶/۵	۲۱/۸
ایران	۲/۷	۴/۶	۴/۶	۱۰۶۷/۴	۳۳۵۸/۷	۱۷	۱/۹
عراق	۲	۲/۶	۲/۹	۷/۹	۱۰۶۸/۵	-۵	۱/۲
اردن	۳/۹	۶/۵	۶/۶	۲۲۷	۸۰۷/۴	۱/۹	۲/۲
قزاقستان	-	-۱۵	-۱۵	۶۸۶/۷	۴۲۷/۸	-	-
کویت	-۴/۶	۵۴/۱	۵۳/۱	۳۳/۳	۱۲۰۸/۹	۵۰/۶	۲۹/۵
قرقیزستان	۱	-۴/۷	-۲/۷	۱۲۸/۱	۱۸۴/۶	-	-
لبنان	۳/۵	۱/۲	۱	۱۲۰/۳	۱۲۶۳/۱	-۶/۱	۷/۸
مالزی	۲/۳	۲/۴	۳/۳	۸۲۷/۶	۳۸۷۷/۱	۱۷	۱۶/۱
مالدیو	۳/۴	۱/۹	۱/۹	--	۵۷/۹	-	-
مالی	۳/۲	۳/۴	۲/۹	۲۵۵/۷	۱۱۳/۷	-۱/۸	-۹/۹
موریتانی	-	۱	۱	۲۸	۱۳۶/۱	-۴/۴	-۶/۵
مراکش	۱/۹	۱/۲	۱/۳	۷۸۰/۴	۱۸۲۵/۴	۴/۲	۱۶/۹
موزامبیک	۴/۱	۵/۵	۵/۷	۶۶/۵	۲۳۷/۶	۹/۸	-۲/۵

ادامه جدول ۷

کشور	نرخ رشد	نرخ رشد تولید محصولات کشاورزی	نرخ رشد تولید محصولات غذایی	صادرات کشاورزی	واردات کشاورزی	نرخ رشد صادرات کشاورزی	نرخ رشد واردات کشاورزی
نیجریه	۳	۴	۴/۱	۳۶۵/۳	۸۱۱/۸	۸/۲	۰/۳
پاکستان	۲/۷	۳/۸	۵	۱۰۱۷/۷	۲۴۲۵	-۱۰/۳	۱۶/۳
قطر	۲/۱	۲/۵	۲/۵	۱۵/۸	۳۰۹/۴	۴/۱	۱/۲
عربستان	۳/۶	-۳/۱	-۳/۳	۳۸۲	۳۴۴۱/۱	-۳/۱	-۵/۶
سنگال	۲/۶	۲/۴	۲/۵	۱۶۲/۲	۴۶۴/۴	۱/۸	۷/۶
سیرالئون	۱/۲	-۰/۶	-۰/۵	۱۵	۱۳۹/۵	-۳/۳	۱۰/۶
سومالی	۲/۳	-	-	۷۴/۶	۷۳/۳	۱۴	-۳/۹
سودان	۲/۱	۲/۵	۲/۳	۴۷۱/۱	۲۴۵/۲	۸/۲	-۳/۲
سورینام	۱/۳	-۲/۵	-۲/۵	۴۴/۹	۶۳/۷	۷/۸	۱/۷
سوریه	۲/۷	۴/۷	۵/۴	۸۴۷/۶	۹۲۸/۳	۶/۲	۹/۲
تاجیکستان	۱/۸	-۵/۲	-۴/۷	-	-	-	-
توگو	۳	۳/۹	۵/۳	۱۲۴/۵	۶۶	۱/۸	-۱۰/۹
تونس	۱/۹	-۲/۲	-۲/۱	۴۷۶/۶	۱۰۷۴/۶	۳/۶	۲۱/۶
ترکیه	۱/۶	۰/۷	۰/۵	۴۳۰۰/۹	۳۶۰۳/۵	۲/۶	۱۸
ترکمنستان	۲	-۶/۴	۸/۳	۳۳۰۲/۸	۱۸۸/۲	-	-
اوگاندا	۳/۴	۱/۸	۰/۵	۵۵۴/۹	۶۹/۲	۴۲/۸	۲۰/۳
امارات متحده عربی	۲/۶	۹/۸	۹/۹	۶۰۴/۱	۲۳۸۰/۸	۰/۷	۸/۸
ازبکستان	۲	-۱/۷	-۰/۶	۱۵۵۳/۸	۵۶۴/۵	-	-
لیبی	۳/۵	-۱/۳	-۱/۲	۲۹/۵	۱۱۱۱/۹	-۱۰/۸	-۵/۲
یمن	۵/۲	۴	۳/۹	۸۸/۸	۹۷۶/۳	۱۲/۱	۳/۶

Source:FAO,1998

در واقع تنها در ۱۸ کشور نرخ رشد متوسط تولید سالانه مواد غذایی از متوسط نرخ رشد جمعیت بیشتر و در میان این ۱۸ کشور تنها ارزش صادرات محصولات کشاورزی سه کشور مالزی، سودان و بنین بیشتر از وارداتشان است و در بقیه واردات بیشتر از صادرات است. این موضوع نشان

می‌دهد که هر چند برخی از کشورها از نظر تولید سالانه محصولات غذایی دارای نرخ رشد مثبت هستند ولی همچنان تا رسیدن به مرحله خودکفایی غذایی فاصله دارند.

ب) واردات مواد غذایی

در کشورهای در حال توسعه، که اکثر کشورهای اسلامی نیز در این گروه قرار دارند، از نظر اقتصادی دستیابی به خودکفایی غذایی بعضاً می‌تواند بسیار پرهزینه باشد. برای مثال ممکن است بتوان با افزایش قیمت مواد غذایی (به عنوان ابزارهای تشویقی) افزایش تولید را ممکن ساخت ولی عموماً در این گونه موارد با تجارت بین المللی نیازهای غذایی داخلی با قیمتی کمتر از طریق واردات قابل تأمین است. همچنین این تجارت تنوع مواد غذایی در دسترس را نیز افزایش می‌دهد.

طبق آمار منتشر شده از سوی FAO، نرخ رشد تولیدات غذایی و کشاورزی در دوره ۱۹۹۱-۱۹۹۶ در اغلب کشورهای اسلامی از رشد جمعیت عقب مانده و این امر باعث کاهش تولید سرانه مواد غذایی شده و در نتیجه این امر کسری مواد غذایی، که بر حسب تعریف عبارت است از «مصرف مواد غذایی منهای تولید مواد غذایی داخلی»، در این کشورها و در مجموعه کشورهای اسلامی شدت یافته است.

یکی از راههای جبران این کسری افزایش میزان مواد غذایی وارداتی است و این دقیقاً همان راهی بوده که کشورهای اسلامی بدان توسل جسته اند.

طی دوره ۱۹۹۱-۹۶، در بیشتر کشورهای اسلامی واردات محصولات کشاورزی به طور چشمگیری بیش از صادرات بوده و تنها در ۸ کشور از ۵۴ کشور (اندونزی، مالزی، کنیا، قزاقستان، سودان، ترکیه، یمن و چاد) صادرات محصولات کشاورزی بیش از واردات بوده و برخی نیز مانند مالدیو واردکننده محض محصولات کشاورزی به شماره آمده اند.

هر چند تعدادی از کشورهای اسلامی در دوره مذکور دارای نرخ رشد منفی در واردات محصولات کشاورزی خود بوده‌اند (که این امر می‌تواند نشانه‌ای از کاهش میزان واردات آنها باشد) ولی از آنجا که آمار ارائه شده نشاندهنده ارزش واردات است، احتمالاً یکی از دلایل کاهش بودن نرخ رشد واردات در این کشورها پایین آمدن قیمت برخی محصولات وارداتی توسط آنها بوده که این امر لزوماً هم نشانه کاهش حجم واردات نیست. با این حال در نزدیک به نیمی از کشورهای

اسلامی (۲۱ کشور از ۵۴ کشور عضو OIC) نرخ رشد صادرات محصولات کشاورزی بیش از نرخ رشد واردات بوده که این مسئله را می‌توان نشانه خوبی از تلاش این کشورها در جهت بهبود وضعیت غذا دانست.

۳-۳- توسعه انسانی در کشورهای اسلامی

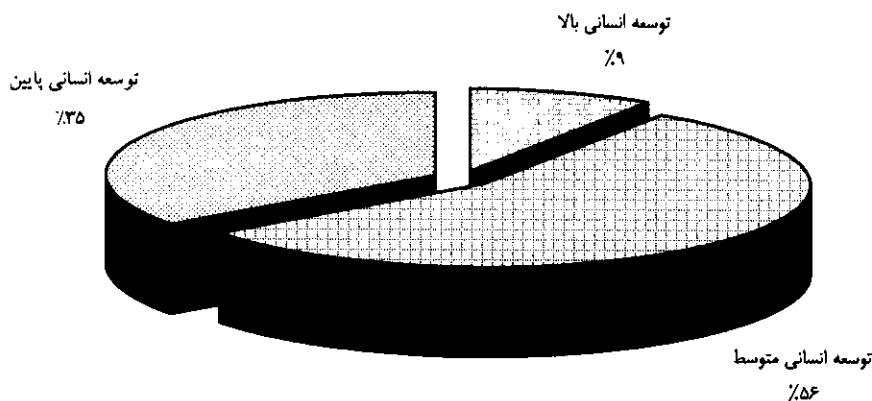
طبق گزارش‌های توسعه انسانی (۱۹۹۹)، کشورها کلاً به سه دسته زیر تقسیم می‌شوند:

۱. کشورهای با توسعه انسانی بالا (HHD)^۱ که شاخص توسعه انسانی آنها بین ۰/۸ تا ۱ است و سه کشور اسلامی نیز در این گروه قرار دارند.

۲. کشورهای با توسعه انسانی متوسط (MHD)^۲ که شاخص توسعه انسانی آنها بین ۰/۵ تا ۰/۷۹۹ است و اکثر کشورهای اسلامی (۳۳ کشور) در این گروه جای دارند.

۳. کشورهای دارای سطح توسعه‌یافتگی پایین (LHD)^۳ که شاخص توسعه انسانی آنها از ۰/۴۹۹ به پایین است و ۱۷ کشور اسلامی در این گروه قرار دارند (جدول ۸).

نمودار ۲ نیز سهم گروه‌های مختلف توسعه انسانی را در کشورهای اسلامی نشان می‌دهد.



نمودار ۲. گروه‌های توسعه انسانی در کشورهای اسلامی

1. high human development
2. medium human development
3. low human development

جدول ۸. شاخص توسعه انسانی (HDI) در کشورهای اسلامی (۱۹۹۹)

HDI	کشور	HDI	کشور	HDI	کشور
	توسعه انسانی پایین	۰/۷۱۵	اردن		توسعه انسانی بالا
۰/۴۷۵	سودان	۰/۷۱۵	ایران	۰/۸۸۳	فلسطین
۰/۴۶۵	توگو	۰/۷۱۲	ترکمنستان	۰/۸۳۳	کویت
۰/۴۵۶	نیجریه	۰/۷۱۲	قرقیزستان	۰/۸۳۲	بحرین
۰/۴۴۹	یمن	۰/۷۰۱	گویان	۰/۸۱۴	قطر
۰/۴۴۰	بنگلادش	۰/۶۹۹	آلبانی	۰/۸۱۲	امارات متحده عربی
۰/۴۲۶	سنگال	۰/۶۹۵	آذربایجان		توسعه انسانی متوسط
۰/۴۲۱	بنین	۰/۶۹۵	تونس	۰/۷۶۸	مالزی
۰/۴۰۴	اوگاندا	۰/۶۸۱	اندونزی	۰/۷۶۴	موریتانی
۰/۳۹۸	گینه	۰/۶۶۵	الجزایر	۰/۷۵۷	سورینام
۰/۳۹۳	چاد	۰/۶۶۵	تاجیکستان	۰/۷۵۶	لیبی
۰/۳۹۱	گامبیا	۰/۶۶۳	سوریه	۰/۷۴۹	لبنان
۰/۳۷۵	مالی	۰/۶۱۶	مصر	۰/۷۴۷	سومالی
۰/۳۴۳	گینه بیسائو	۰/۶۰۷	گابن	۰/۷۴۰	عربستان
۰/۳۴۱	موزامبیک	۰/۵۸۶	عراق	۰/۷۴۰	قزاقستان
۰/۳۲۴	برونئی	۰/۵۸۲	مراکش	۰/۷۲۷	ترکیه
۰/۳۰۴	بورکینافاسو	۰/۵۲۶	کامرون	۰/۷۲۵	عمان
۰/۲۹۸	نیجر	۰/۵۰۸	پاکستان	۰/۷۲۰	ازبکستان
۰/۲۴۵	سیرالئون	۰/۵۰۶	کومور	۰/۷۱۶	مالدیو

Source: UNDP, 1999

۴- محاسبه شاخص امنیت غذایی و مقایسه آن شاخص توسعه انسانی

تاکنون به بررسی جداگانه مفاهیم امنیت غذایی، توسعه انسانی، شاخصهای سنجش آنها و همچنین تحلیل این مفاهیم در کشورهای اسلامی پرداخته شد که این کار مسیر دستیابی به هدف اصلی را هموار کرد. هدف اصلی این پژوهش بررسی رابطه امنیت غذایی و شاخص توسعه انسانی در

کشورهای اسلامی است. لذا برای تحقق این امر مجموعه شاخصهای امنیت غذایی شامل عرضه سرانه روزانه کالری، چربی و پروتئین و همچنین میزان تولید و واردات غذا و کمکهای غذایی و نیز شاخص توسعه انسانی (HDI) ارائه شده از سوی سازمان ملل مورد استفاده قرار گرفت. به همین منظور در گام نخست شاخص ترکیبی امنیت غذایی با استفاده از شاخص مذکور به روش آنالیز تاکسونومی عددی محاسبه شد. در گام بعدی کشورهای اسلامی بر اساس شاخص حاصل شده، طبقه بندی گردیدند و سپس نتایج به دست آمده با موقعیت کشورهای مذکور به لحاظ سطح توسعه انسانی مورد مقایسه قرار گرفت.

۴-۱- محاسبه شاخص ترکیبی امنیت غذایی به روش آنالیز تاکسونومی عددی

آنالیز تاکسونومی برای طبقه بندی های مختلف در علوم به کار برده می شود و نوع خاص آن آنالیز تاکسونومی عددی^۱ است. این روش به عنوان وسیله ای برای طبقه بندی درجه توسعه یافتگی بین ملل مختلف توسط یونسکو توصیه شده است و برای موضوعات مختلف از جمله بررسی دوگانگی اقتصادی، فرهنگی و توسعه ای کاربرد فراوان دارد.

با استفاده از روش تاکسونومی عددی شاخصهای مختلف با واحدهای اندازه گیری متفاوت، که توضیح جامعی از موضوع مورد بررسی می دهند، تبدیل به شاخص واحدی می شوند که بر اساس آن می توان جامعه مربوط را رتبه بندی کرد.^۲

در این پژوهش ابتدا داده های مربوط به شش شاخص ارائه شده برای امنیت غذایی با واحدهای مختلف از جمله عرضه سرانه روزانه کالری، پروتئین و چربی بر حسب گرم، واردات، تولید سرانه و کمکهای غذایی بر حسب میلیون تن منظور و سپس طبق رابطه زیر نرمال شده است:

$$X'_{ij} = (X_{ij} - X_j) / \text{var}(X_j) \quad (5)$$

۱، ۰۰۰، ۰۶ = Z_j (شاخصهای امنیت غذایی)

۱، ۰۰۰، ۵۴ = i (کشورهای اسلامی)

X_{ij} = شاخص Z_j برای کشور i ام

1. numerical taxonomy

۲. برای مطالعه بیشتر به منبع ایمانی راد و ترابی، ۱۳۷۵ نگاه کنید.

$$X_j = \text{میانگین شاخص زام}$$

$$\text{Var}(X_i) = \text{انحراف معیار شاخص ز}$$

$$X_{ij} = \text{مقدار نرمال شده شاخص زام برای کشور } i$$

به این ترتیب در مرحله اول ماتریس داده ها عاری از هر نوع مقیاسی می شود.

در مرحله دوم محاسبه فاصله بین کشورها بر اساس شاخصهای معرفی شده به منظور ارزیابی

همگنی کشورها با یکدیگر صورت می گیرد:

$$D_{ab} = \sqrt{\sum_{j=1}^6 (Z_{aj} - Z_{bj})^2} \quad (6)$$

D_{ab} به مفهوم فاصله کشور a تا کشور b و Z مقادیر شاخصهای استاندارد شده در مرحله قبل

است. سپس با به کارگیری فواصل محاسبه شده، ماتریس فاصلهها به ابعاد 54×54 تشکیل داده می شود

و آنگاه آزمون همگنی روی دادهها صورت می پذیرد.

در صورتی که کشوری در فاصله همگنی قرار نگرفته باشد آن کشور حذف می شود و

محاسبات دوباره از ابتدا انجام می گیرد. این امر تا زمانی که تمامی دادههای باقیمانده همگن گردد

تکرار می شود. در این بخش از محاسبات در مرتبه اول کشورهای افغانستان، بنگلادش، امارات و

گویانا، در مرتبه دوم الجزایر، سودان، اندونزی، در مرتبه سوم گابن، اردن، آلبانی و نهایتاً در مرتبه

چهارم کشورهای یمن، قزاقستان و موزامبیک حذف شدند و ادامه محاسبات بر مجموعه ۴۱ کشور

همگن باقیمانده انجام گرفت.

در مرحله بعد با فرض تأثیر مثبت شاخصهای استاندارد شده بر امنیت غذایی، ماکزیمم هر

شاخص در نظر گرفته و سپس فاکتور C_i به صورت زیر محاسبه شده است:

$$C_i = \sqrt{\sum_{j=1}^6 (X'_{ij} - X_{\max j})^2} \quad (7)$$

آنگاه با محاسبه C^* که حاصل رابطه زیر است:

$$C^* = C + 2\text{var}(\bar{C}_i) \quad (8)$$

درجه امنیت غذایی کشورهای مختلف (F_i) با رابطه زیر محاسبه می شود:

$$F_i = C_i / C^* \quad (9)$$

رابطه F_۱ هر قدر کوچکتر باشد کشور مورد نظر به لحاظ امنیت غذایی وضعیت بهتری خواهد داشت.

نتایج حاصل از محاسبه شاخص ترکیبی امنیت غذایی در کشورهای مورد بررسی (۴۱ کشور) در جدول ۹ به ترتیب رتبه امنیت غذایی آورده شده است.

جدول ۹. گروهبندی کشورها بر اساس سطوح امنیت غذایی

نام کشور	شاخص توسعه انسانی	شاخص امنیت غذایی	نام کشور	شاخص توسعه انسانی	شاخص امنیت غذایی
امنیت غذایی بالا					
کویت	۰/۸۳۳	۰/۲۳۴	موریتانی	۰/۷۶۴	۰/۶۷۲
لیبی	۰/۷۵۶	۰/۲۸۴	کامرون	۰/۵۲۶	۰/۶۸۸
مصر	۰/۶۱۶	۰/۳۴۲	چاد	۰/۳۹۳	۰/۶۹۸
امنیت غذایی پایین					
قطر	۰/۸۱۴	۰/۳۵۰			
سوریه	۰/۶۶۳	۰/۳۶۰	بنین	۰/۴۲۱	۰/۷۰۲
تونس	۰/۶۹۵	۰/۳۸۹	سنگال	۰/۴۲۶	۰/۷۰۳
مالدیو	۰/۷۱۶	۰/۳۹۶	عراق	۰/۵۸۶	۰/۷۱۵
امنیت غذایی متوسط					
عمان	۰/۷۲۵	۰/۴۴۶	توگو	۰/۴۶۹	۰/۷۶۳
فلسطین	۰/۸۸۳	۰/۴۴۰	مالی	۰/۳۷۵	۰/۷۷۸
مراکش	۰/۵۸۲	۰/۴۴۴	گامبیا	۰/۳۹۱	۰/۷۸۴
ترکیه	۰/۷۲۷	۰/۴۵۱	بورکینو فاسو	۰/۳۰۴	۰/۷۸۵
پاکستان	۰/۵۰۸	۰/۴۸۲	نیجر	۰/۲۹۸	۰/۸۱۱
مالزی	۰/۷۶۸	۰/۴۹۳	کومور	۰/۵۰۶	۰/۸۵۳
لبنان	۰/۷۴۹	۰/۴۹۶	آذربایجان	۰/۶۹۵	۰/۸۶۳
بحرین	۰/۸۳۲	۰/۴۹۷	سیرالئون	۰/۲۴۵	۰/۹۰۱
عربستان	۰/۷۴	۰/۵۲۱	اوگاندا	۰/۴۰۴	۰/۹۰۳
قرقیزستان	۰/۷۱۲	۰/۵۳۸	تاجیکستان	۰/۶۶۵	۰/۹۳۷
ایران	۰/۷۱۵	۰/۵۸۰	برونئی	۰/۳۲۴	۰/۹۴۶
ترکمنستان	۰/۷۱۲	۰/۵۹۶	گینه بیسائو	۰/۳۴۳	۰/۹۶۵
نیجریه	۰/۲۹۸	۰/۶۱۹			
سومالی	۰/۷۴۷	۰/۶۲۰			

مأخذ: محاسبات تحقیق

۴-۲- تحلیل مقایسه‌ای شاخص ترکیبی امنیت غذایی (F_s) با شاخص توسعه انسانی (HDI) در کشورهای اسلامی

در این بخش تحلیل مقایسه‌ای بین شاخص به دست آمده (F_s) و شاخص توسعه انسانی و بررسی میزان ارتباط بین آنها طی سال ۱۹۹۹ میلادی در کشورهای اسلامی صورت می‌پذیرد. در ابتدا کشورهای مورد بررسی با در نظر گرفتن دامنه تغییرات و روشهای آماری موجود براساس شاخص ترکیبی به سه گروه با شاخص امنیت غذایی بالا، متوسط و پایین به این ترتیب طبقه‌بندی شدند: کشورهای با شاخص کمتر از ۰/۳ در سطح بالا، ۰/۳ تا ۰/۶ در سطح متوسط و بیشتر از ۰/۷ در سطح پایین.

نتایج اولیه مقایسه بین گروه‌ها براساس دو شاخص نشان می‌دهد که ۷۵٪ کشورهای با امنیت غذایی پایین دارای توسعه انسانی پایین (LHDI)، ۷۸٪ کشورهای با امنیت غذایی متوسط دارای شاخص توسعه انسانی متوسط (MHDI) و ۲۹٪ کشورهای با امنیت غذایی بالا دارای توسعه انسانی بالا (HHDI) هستند (جدول ۱۰) که این امر را می‌توان نشانه ارتباط بالای امنیت غذایی و توسعه انسانی در سطح متوسط و پایین دانست.

جدول ۱۰. مقایسه ترکیبی دو شاخص توسعه انسانی و امنیت غذایی در کشورهای اسلامی

گروه‌بندی کشورها	توسعه انسانی پایین	توسعه انسانی متوسط	توسعه انسانی بالا
امنیت غذایی پایین	۷۵	۲۵	۰
امنیت غذایی متوسط	۱۱	۷۸	۱۱
امنیت غذایی بالا	۰	۷۱	۲۹

مأخذ: محاسبات تحقیق

در این راستا بررسی جزئی‌تر حاکی از آن است که در گروه کشورهای با امنیت غذایی پایین درصد کشورهای با HDI بالا صفر است و برعکس. همچنین کشورهایی که با HDI متوسط در ردیف امنیت غذایی بالا هستند، عموماً در مرز امنیت غذایی بالا و متوسط قرار دارند که این امر را می‌توان نشانه صحت ارتباط مستقیم بین این دو شاخص دانست.

در راستای تکمیل مباحث فوق و با به کارگیری روشهای آماری موجود، در مرحله اول آزمون همبستگی^۱ بین دوشاخص مذکور صورت پذیرفت که مقدار آن ۰/۶۷۸- به دست آمد. این ضریب نشاندهنده رابطه نسبتاً قوی بین شاخص یاد شده است.

۵- نتیجه گیری و پیشنهاد

- تحلیل مقایسه‌ای پژوهش حاضر نشان می‌دهد که رابطه‌ای مثبت و معنی‌دار بین امنیت غذایی و توسعه انسانی در کشورهای اسلامی وجود دارد. همچنین این رابطه در گروههای متوسط و پایین امنیت غذایی شدیدتر بوده، به طوری که اکثر کشورهایی که امنیت غذایی پایینی دارند دارای توسعه انسانی پایینی نیز هستند. درحالی‌که این رابطه در سطح بالای امنیت غذایی برقرار نیست. به عبارتی ممکن است کشوری دارای شاخص توسعه انسانی پایینی باشد ولی توانسته باشد در جایگاه مناسب امنیت غذایی قرار گیرد. این امر را می‌توان ناشی از ترکیب توسعه انسانی کشورهای اسلامی، که عمدتاً در گروه کشورهای با توسعه انسانی پایین و متوسط قرار دارند، دانست.

- گرچه بالا بودن شاخص توسعه انسانی شرط لازم برای بالا بودن امنیت غذایی نیست ولی تجربه کشورهای اسلامی حاکی از آن است که عموماً بالا بودن شاخص توسعه انسانی نشانه‌ای از بهبود امنیت غذایی نیز هست.

- همچنین می‌توان گفت که شاخصهای عرضه سرانه روزانه کالری و تولید غذا از عوامل مهم و تأثیرگذار بر جایگاه امنیت غذایی در این گروه است که با توجه به ماهیت کشاورزی‌مدار اغلب کشورهای اسلامی این امر چندان دور از ذهن نیست. لازم به ذکر است که در کشورهای صادرکننده نفت (OEC) وجود درآمدهای ارزی و واردات مواد غذایی عاملی مثبت در جهت بهبود وضعیت غذایی است.

- با توجه به توضیحات مقاله ملاحظه می‌شود که کشورهای اسلامی برای بهبود امنیت غذایی عملاً دو راه بیشتر ندارند: تولید مواد غذایی در داخل و یا واردات مواد غذایی. به نظر می‌رسد با توجه به تأثیر مثبتی که امنیت غذایی بر بهبود شاخص توسعه انسانی دارد و نیز نظر به محدود بودن

1. correlation test

درآمد ارزی غالب کشورهای اسلامی می‌باید توجه ویژه‌ای به بخش کشاورزی و به طور خاص تولید محصولات غذایی مبذول شود تا بدین ترتیب از طریق بالا رفتن امنیت غذایی و نیز صرفه جویی‌های ارزی بتوان گام مؤثری در بهبود شاخص توسعه انسانی برداشت.

منابع

۱. ابوالحسنی، خواجه نرگس (۱۳۷۵)، بررسی امکانات مبادلاتی کشورهای مسلمان، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، تهران.
۲. ایمانی راد، مرتضی و غلامعباس ترابی (۱۳۷۵)، برنامه‌ریزی اقتصادی با استفاده از نرم افزار Quatro Pro، تهران.
۳. بختیاری، صادق (۱۳۷۹)، تجارت مواد غذایی بین کشورهای اسلامی: امکانات و محدودیتها، مجموعه سخنرانیها، گزیده مقالات پنجمین همایش توسعه صادرات غیر نفتی کشور، تبریز.
۴. بی‌نام (۱۳۷۶)، غذا و تجارت بین الملل، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، ویژه نامه اجلاس جهانی غذا.
۵. تیروال.م (۱۳۷۸)، اقتصاد و رشد توسعه، ترجمه منوچهر فرهنگ، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۶. حسینی، امیر عبدالله (۱۳۷۵)، شاخص توسعه انسانی (HDI) مناطق روستایی ایران، مجموعه مقالات سمینار زنجان.
۷. فائو (۱۳۷۸)، ارزیابی وضعیت امنیت غذایی جهان، ترجمه فرزانه عبادی، مؤسسه پژوهشهای برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی
۸. قاسمی، حسین (۱۳۷۳)، تعاریف و مبانی نظری امنیت غذایی، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال دوم، ویژه نامه امنیت غذایی.
۹. مرزوقی، حسن (۱۳۷۸)، امنیت غذایی در کشورهای اسلامی، پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۱۰، تهران.

۱۰. نوری نائینی، محمدسعید (۱۳۷۸)، امنیت غذایی و توسعه کشاورزی (مجموعه مقالات)، مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی، تهران.
11. Cakman, Melek (1990), Food security in OIC countries, *Journal of Economic Cooperation*, Vol. XI, NO. 3-4
12. FAO, Year Book (1998), *Production*, Vol. 51
13. FAO (2001_a), Handbook for defining and setting up a food security information and early warning system (FSIEWS), Rome, DP.4-5.
14. FAO (2001_b), The state of food insecurity in the world 2001 (SFI), Food and Agriculture Organization for United Nation, Rome.
15. SESRTCIC (2000), Annual economic report on the OIC country , (1999), *Journal of Economic Cooperation* , Vol. 21, NO. 1.
16. UNDP (1999), Human development report (1999), Oxford University Press, New York.
17. UNDP (2001), Human development report, oxford University Press, New York.